



حفیظ « امید »

تاریخ نشر: 13 اکتوبر 2026 میلادی

خزان



درین هوای خزانی بیا که بیمارم
دلم هوای تو دارد، بیا که ناچارم

ز رنگ زرد خزانم دگر چه میپرسی
امید وصل تو دارم ، بیا که افگارم

نگاه کن که چگونه درخت می لرزد
در انتظار تو امشب، چو ابر می بارم

تو همچو باد خزانی و من چو برگ، لرزان
از آن مسیر پر از برگ، بیا به دیدارم

بیا که بی تو خزان است روزگار امید
به نوبهار نگاهت، بیا که بیدارم

***

حفیظ « امید »

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی

«محتوای این مضمون بیانگر نظر نویسندهٔ آن است و ارگان نشراتی مولانا سعید افغانی مسئولیتی در قبال آن ندارد.»